



صد هجدهمین سالگرد گودشتای مظلوم استند

کارگروه تاریخ: حسین ذاکری، محمد رضا وادی زاده و میثم ابنای



زندگینامه و شخصیت رضاشاه

رضاخان در ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ هجری خورشیدی در آلاشت از توابع سوادکوه مازندران زاده شد، پدرش داداش بیگ، یاور فوج سوادکوه بود. مادرش نوش آفرین، اهل تهران و تا مرگ داداش بیگ ساکن آلاشت بود. رضا چهل روزه بود که پدرش مرد و مادرش تصمیم گرفت که به تهران بازگردد... «
در سال (۱۲۷۵ ه. ش) پس از مرگ ناصرالدین شاه قاجار، فرج سوادکوه برای نگهبانی از سفارتخانه و مراکز دولتی به تهران فراخوانده شد، رضا نیز در این فوج بود و به تهران آمد..
رضا در بریگاد قزاق به شهرت رسید و جزء فرماندهان محسوب شد. او عملاً فرماندهی واقعی بریگاد (واحد نظامی مرکب از دو فوج یا تیپ) را زیر نظر ژنرال آبرونساید به دست آورد. رضاخان دارای قدی بلند و نگاهی نافذ بود.
آبرونساید در مورد رضاشاه میگوید: «یک دیکتاتور نظامی میتواند مشکلات ایران را حل کند و ما امکان پیدا میکنیم بی هیچ دردسری قوایمان را از ایران بیرون ببریم.»



وی همچنین شخصی سرکش و خودمحور بود و حکومتی با فرهنگ کاملاً غیردینی را ایجاد کرد. رضاخان همچنین نسبت به اطرافیان به ویژه کسانی که در به قدرت رساندن وی دخیل بودند بدبین و سؤ ظن داشت، این چنین رفتاری در وی آن چنان نمایان شده بود که علی اکبر داور وزیر وی، از ترس رضاشاه خودکشی کرد. هتک حرکتی و آزار رساندن به مردم و افراد معتمد از دیگر کارهایی بود که رضاشاه به آن میپرداخت برای نمونه در واکنش به برخورد قاطع شیخ محمدباقری با بی حجابی خانواده رضاه شاه در حرم حضرت معصومه (ع)، در تلفن چنین عباراتی را برای شیخ باقری به کار برد: «پس، این توله سگ پدر سوخته، رئیس شهربانی قم چه می خورد؟ چرا به او نگفتید»
وی بعد از آن با چکمه وارد حرم میشود و بعد از فحش و ناسزا دادن به شیخ باقری وی را زیر لگد و کتک قرار داد.

شرایط کشور قبل از وقوع کودتای ۳/سفند ۱۲۹۹

ایران پس جنگ جهانی اول با موضوعاتی چون اشغال توسط نیروهای خارجی، فساد دربار و رجال و ضعف شاه دست و پنجه نرم می کرد. در آبان سال ۱۲۹۹ مشیرالدوله که رئیس الوزرا (نخست وزیر) بود استعفا داد و سردار منصور (فتح الله خان اکبر) به جای وی منصوب شد اما پس از دو ماه او نیز استعفا داد و بنابراین ۲۶ روز کشور دولت نداشت. بار دیگر در ۲۸ بهمن همان سال مجدداً همان سردار منصور زمام امور را در دست گرفت.



کودتای سوم اسفند

ژنرال آبرونساید انگلیسی در دهم بهمن ماه ۱۲۹۹ هجری شمسی با رضاخان ملاقات کرده و وی را به کودتا تحریک کرد. سرانجام روز دوشنبه ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ میلادی **مصادف با سوم اسفندماه** ۱۲۹۹ هجری شمسی مردم تهران با صدای شلیک گلوله از خواب بیدار شدند و قزاق‌ها بدون هیچ گونه مقاومتی پایتخت را در دست گرفتند. فاتحین پایتخت، رسماً با صدور و نصب اطلاعیه‌ای بر دیوارها، اعلام حکومت نظامی کردند. **سپهدار** که نخست وزیر وقت ایران بود به سفارت بریتانیا پناه برد. بدین ترتیب شخصیت‌های ارشد سیاسی علیرغم ناراحتی و مخالفت شاه بازداشت شدند و دولت به راحتی سقوط کرد.

سید ضیاء الدین طباطبایی به نخست وزیری رسید و رضاشاه به فرماندهی نیروهای قزاق منصوب شد. رضاخان از اینجا وارد قدرت شده و روند صعودی خود را طی کرد. در ادامه سید ضیاء نامه مودت ایران و شوروی را امضا کرد و دستور شروع کار مجلس را داد. سید ضیاء طالب این بود که همراه داشت این تأثیر به سزایی در اعتقاد **احمدشاه** به این امر مخالفت رضاخان موفق شد که کابینه سید ضیاء طباطبایی را مجبور به رضاخان داشت. سرانجام رضاخان موفق شد که کابینه سید ضیاء طباطبایی را مجبور به کناره‌گیری کرده و وی را راهی سوئیس کند.

رضاخان میرپنج اینک با توجه به نبوغ بالای خود اوضاع را به نفع خود تمام شده می‌دید. با قدرت گرفتن رضا شاه، مجلس قدرت و اعتبار خود را از دست داد؛ به طوری که در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ خورشیدی دیگر از نظرات انتقادی و نطق‌های آتشین نمایندگان خبری نبود و نمایندگان مأمور تایید دستورات سردار سپه بودند.



پس از قدرت گرفتن رضاخان ، احمد شاه کشور را ترک کرد و به اروپا رفت . در غیاب پادشاه قاجاری ، عوامل رضا خان اندیشه الغای سلطنت و رئیس جمهوری رضاخان را مطرح کردند که با مخالفت شدید برخی سیاسیون ، روحانیون و مردم روبرو شد و نهایتاً این طرح با شکست مواجه شد .

نائب رئیس مجلس پنجم شورای ملی ، **سید محمد تدین** در تاریخ ۹ آبان ۱۳۰۴ خورشیدی لایحه ای را به مجلس ارائه کرد که با تصویب آن توسط نمایندگان ، احمد شاه از حکومت خلع شد و حکومت موقت به رضاخان سپرده شد و تعیین تکلیف حکومت قطعی به مجلس موسسان سپرده شد . مجلس موسسانی که رضاخان مقدمات آن را داده بود ، آخرین شاه قاجار را از قدرت برکنار کرد و رضا خان را به عنوان پادشاه جدید ایران برگزید ، بدین ترتیب در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۰۴ سلطنت ایران به رضا شاه پهلوی سپرده شد .

۱۰ روز پس از خلع احمد شاه سفیر انگلستان به دیدار رضا شاه رفت و از طرف دولت انگلستان وی را به رسمیت شناخت .

فردای همان روز نیز سفیر شوروی اعلام کرد ، به قدرت رسیدن رضا شاه مورد رضایت حکومت شوروی است . در ۲۲ آذر ۱۳۰۴ خورشیدی از سوی مجلس موسسان ، سلطنت دائمی ایران به رضا شاه و خانواده اش سپرده شد